

چکیده

مقاله ی حاضر نگاه و رویکردی بیرونی (معرفت درجه ی دوم) بر پدیده ی تاریخی عاشورا دارد . ابتدا مقدمه ای کوتاه در بیان مفهوم تبیین تاریخی و انواع آن (قانونمند، عقلانی و روایی) ذکر می شود و در ادامه به پیشینه ی تبیین تاریخی پدیده عاشورا نظر دارد و با گزینش متونی تحلیلی در حوزه ی تاریخ نگاری پدیده ی عاشورا، آنها را از لحاظ تبیین های قانونمند، عقلانی و روایی مورد ارزیابی و بررسی قرار داده، به شواهد و مصادیقی از انواع تبیین های به کار رفته در آنها اشاره می کند و در پایان به ضرورت توجه جدی مورخان فعلی به کاربرد تبیین های تاریخی در تحلیل پدیده های تاریخی خصوصا تاریخ عاشورا تاکید دارد .

واژه های کلیدی: تبیین تاریخی، تبیین قانونمند، تبیین عقلانی، تبیین روایی، متون تاریخی، روش ترکیبی، روش تحلیلی و پدیده ی عاشورا .

مقدمه

اعتبار و ارزش پژوهش ها و مطالعات تاریخی، به توصیف و نقل پدیده های تاریخی نیست، بلکه محقق تاریخ باید تبیین های تاریخی را ایجاد نماید و به ابهامات مختلف تاریخی از نگاه چرایی و چگونگی پاسخ دهد . محقق تاریخ با پردازش تبیین تاریخی، پا را از مرزهای تاریخ نگاری فراتر می گذارد و به دنبال کشف روابط علی بین پدیده های تاریخی است . وی می کوشد با ریشه یابی تغییرات و علل آنها با تبیین تاریخی بین وقایع حال و آینده پیوند ایجاد نماید . در واقع در کنار توصیف وقایع تاریخی به تجزیه و تحلیل انتقادی آنها می پردازد تا به شناخت علی پدیده های تاریخی واقف گردد . (نوذری، ص 36-37 و ساده، ص 380-381)

مفهوم تبیین تاریخی، (Historical Explanation)

تبیین در لغت به معنای هویدا شدن، پیدا شدن، هویدا کردن، بیان کردن و آشکار ساختن است . (دهخدا، 28/300) در اصطلاح، مفهوم تبیین تاریخی، یعنی توجه به پدیده های تاریخی و مطالعه ی آن برای دریافت چرایی و چگونگی و چیستی آنها؛ به تعبیر دیگر، تبیین تاریخی راه شناخت علل پدیده های تاریخی و کشف قوانین کلی حاکم بر پدیده ها و حوادث تاریخی را هموار می کند .

انواع تبیین تاریخی

تبیین تاریخی را معمولا به سه دسته تقسیم می کنند: (1) الف) تبیین قانونمند؛ ب) تبیین عقلانی؛ ج) تبیین روایی . (نوذری، ص 36 و ادواز)

1 . تبیین قانونمند: تبیین قانونمند ارزیابی و بررسی واقعه ی مورد نظر به عنوان یک پدیده ی تاریخی و قراردادن

آن در یک جریان کلی و تعمیم بخشی به منظور ارائه ی یک قاعده ی نظام مند در تاریخ است؛ بدین معنا که معمولا واقعه ی مذکور در اوضاع و شرایط معینی رخ دهد . به تعبیری روان و رسا، تبیین قانونمند ارائه ی یک مدل عام و فراگیر در تاریخ است، تا پدیده های تاریخی را محصول و تولید همان قاعده و قانون کلی بداند . برخی فیلسوفان تاریخ، که عمدتا دارای دیدگاه پوزیتیویستی اند، نوعی نگاه و گرایش تبعی به تاریخ دارند و آن را در تداوم علوم می پندارند . آنان مدعی اند که تبیین های مبتنی بر قانون و یا قاعده مند در صدر انواع تبیین ها قرار دارند؛ به عنوان مثال، به کاهش مشروعیت حکومت و از دست دادن اعتبار و وجهه ی مردمی در اثر افزایش مالیات اشاره می کنند، که یک برداشت قانونمند از تاریخ است . از نکات ضعف این نوع تبیین می توان به عدم تدوین، توجیه و یا اثبات تعمیم بخشی هایی مناسب اشاره کرد، مضافا بر این که خود مورخان دغدغه ی خاصی برای تدوین و اثبات قاعده و قانون کلی حاکم بر تاریخ ندارند . از مخالفان و مدافعان این نوع تبیین می توان به کارل پوپر (2) و همپل (3) اشاره کرد . (نوذری، ص 37-38، پوپر، مصباح یزدی)

2 . تبیین عقلانی: این تبیین، تبیین کنش ها، واکنش ها، فعالیت ها و اعمال کارگزاران تاریخی از بعد خواسته ها، اعتقادات، نیت و معیارهای آنهاست . نگاه به علل و دلایل انگیزه ها و اعمال آنها تبیین عقلانی تاریخ و یا برداشت عقلانی از تاریخ است . تبیین های عقلانی بیش تر در پدیده های تاریخی سیاسی مورد توجه قرار گرفته اند و این نوع پدیده ها انباشته از تبیین عقلانی اند . توجه به تفاوت های تاریخ و سایر علوم و عدم توجه به شباهت های میان آنها از جمله مواردی است که فلاسفه ی تاریخ در تبیین های عقلانی تحت تاثیر آنها قرار گرفته اند . نقطه ضعف جدی این نوع تبیین ها این است که، علی رغم روشن و قابل فهم بودن تبیین های عقلانی به اندازه ی کافی، و آشکار بودن اعمال افراد در تاریخ، در موارد زیادی نمی توان با روش عقلانی آنها را تبیین نمود و پیامدهای پیش بینی نشده و ناخواسته ی کنش های افراد را به هیچ وجه نمی توان نادیده گرفت؛ زیرا به آنها فکر نکرده بودند .

از جمله موانع و نقاط ضعف تبیین های عقلانی این است که گزارش عمده ی مورخان، تابع ساختار اجتماعی و محیطی و یا اوضاع و احوال اجتماعی است که به هیچ وجه تحت تسلط کنش های افراد انسانی نیستند . تغییرات و نوسان های بلندمدت در فقر و ثروت، انقلاب صنعتی و نوسان های موجود در الگوی عام زندگی و تامین معاش، مستعد پذیرش تبیینی بر حسب اهداف و نیت فردی نیستند؛ لذا تبیین های عقلانی، تنها راجع به تبیین بخشی از حقیقت تاریخی است . از پردازندگان نظریه ی تبیین عقلانی تاریخی می توان به گالینگورد (4) و ویلیام دری (5) اشاره کرد . (نوذری، زرین کوب، سیروفه یف، ادواز)

3 . تبیین روایی: نوع سوم از تبیین تاریخی، تبیین روایی است که، به زعم گروهی، مختص تاریخ است . بر اساس تبیین روایی، یک واقعه و پدیده ی تاریخی با نقل و روایت کردن وقایع پیش از آن توضیح و تبیین می شود . پس تبیین روایی، یعنی توضیح دادن یک پدیده و واقعه ی تاریخی با نقل واقعه ی پیش از آن . مشکل عمده ی تبیین های روایی این است که آیا روش های فوق اساسا به امر تبیین می پردازند، یا آیا شرایط متناسبی را که تبیین های مذکور باید تابع آن باشند (زیرا تمام روایت ها یا تبیین های روایی بایستی گزینشی باشند) می توان بدون قرار دادن آنها در رده ی تعمیم بخشی هایی که تبیین های قانونمند بدان ها متکی اند، مشخص ساخت . تبیین های روایی باید در سطح جزئیات مناسب و گزینشی باشند و ممکن است شامل برخی تبیین های قانونمند و عقلانی باشند، ولی لزوما شامل کل این قبیل تبیین ها نیستند . معضل عمده ی دیگر نظریه ی تبیین روایی تاریخ این است که نظریه ی فوق مبتنی بر این است که تاریخ اساسا یک جریان روایی است؛ به مفهوم نقل حوادث،

وقایع و اعمال مردمان گذشته، به خصوص در عرصه ی سیاسی که بر اساس ترتیب زمانی پدیده های تاریخی، یعنی به صورت کرونولوژیک یا گاه شماری تدوین شده است .

کم اهمیت دانستن روایت و یا کاستن از اعتبار و ارزش آن و در عوض حرکت به سمت تحلیل موقعیت ها و شرایط تاریخی، زمینه را برای تبیین تحلیلی و روایی آماده و آن را جای گزین روایت کرده است . اکشات، (6) باترفیلد (7) و گالی (8) از صاحب نظران تبیین روایی اند . (زرین کوب، نوذری، والش)

با تفحص در کتب و متون تاریخی به همه ی انواع تبیین می توان برخورد کرد؛ اما فلاسفه و نظریه پردازان تاریخ دست کم تبیین های سه گانه ی قانونمند، عقلانی و روایی را تبیین های مختص تاریخ می دانند . در تبیین علی تاریخ بین اندیشمندان تاریخ اختلاف نظرهایی اساسی وجود دارد؛ حتی تبیین علی را می توان در ارتباط با تبیین قانونمند و یا یکی از رده های آن تلقی کرد . مورخان نوعا میان دو مقوله ی «علت» و «عقل» تمایز قاعده مندی قایل نشده و تفاوت آنها را به طور شفاف بیان نکرده اند؛ به عبارتی، علل موردنظر یک مورخ ممکن است همان عقول و دلایلی باشد که در تبیین های قانونمند و عقلانی مطرح است؛ لذا با امعان نظر به توضیحات فوق، از شرح و بسط «تبیین علی» صرف نظر می شود .

ضرورت پردازش به تبیین تاریخی عاشورا

فراتر رفتن از مرزهای تاریخ نگاری محض، حرکت از توصیف و نقل صرف پدیده های تاریخی به طرف تجزیه و تحلیل انتقادی آنها، شناخت روابط حاکم بر رخدادهای تاریخی و ارائه ی مدل فراگیر و عام بر ساختار حرکتی تاریخ بدون تبیین تاریخی امکان ندارد؛ علاوه بر این، می توان به موارد ذیل برای ضرورت پردازش تبیین تاریخی عاشورا استناد کرد: (9)

1 . حادثه ی عاشورا حالت زنده ی فعلی ندارد و یک پدیده ی تاریخی است، لذا فهم و درک حضوری آن ممکن نیست و باید با ابزار خاص ارزیابی و مطالعه شود .

2 . عدم تکرار عینی پدیده های تاریخی، ضرایب انحرافی خاصی را در بررسی و ارزیابی مطالعات تاریخی به وجود می آورد؛ لذا مورخ و محقق باید ضرایب خاص انحراف را در پدیده های تاریخی و خصوصا پدیده ی عاشورا در نظر داشته باشد .

3 . پدیده ی تاریخی عاشورا به طور کامل و تمام در اسناد و مدارک تاریخی انعکاس نیافته است؛ لذا محقق و مورخ باید از روش ها و فنون استنتاجی و اجتهادی برای تکمیل عدم انعکاس کامل این پدیده ی تاریخی در مآخذ و مدارک تاریخی استفاده نماید .

4 . پدیده ی تاریخی عاشورا تنها سرگذشت امیران و رجال سیاسی آن نیست؛ بلکه در کنارش باید به ساختار اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی حیات جمعی جامعه ی آن روز توجه کرد .

5 . حادثه ی تاریخی عاشورا به تنهایی معنا و مفهومی ندارد؛ لذا مورخی که به کالبدشکافی پدیده ی عاشورا می پردازد، باید آن را در زمینه ی کلی جامعه اش نگاه کند و چون جمع آوری تمام مدارک پدیده ی مذکور امکان ندارد، مورخ باید جامعه ی گذشته را بازسازی نماید .

6 . تشریح اهداف، انگیزه ها، کنش ها و اعمال عاملان پدیده ی تاریخی عاشورا نیازمند تبیین های تاریخی است و بدون تبیین تاریخی، شناخت زمینه های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی حادثه ی بزرگ عاشورا ممکن نیست .

7. تجزیه و تحلیل انتقادی ماهیت قیام عاشورا و کشف عوامل و زوایای ناپیدای شکل گیری آن، بدون کاربرست ارکان تبیین تاریخی، تحقق و عینیت نمی یابد.

تامل در موارد فوق و تعمق در ماهیت پدیده های تاریخی، خصوصا پدیده ی تاریخی عاشورا، تجزیه و تحلیل مدارک و شواهد تاریخی، استنباط و اجتهاد تاریخی مورخ، اطلاع از معنا و مفهوم پنهان پدیده ی تاریخی عاشورا، کشف ضرورت های تاریخی پدیده ی عاشورا، نه جبر تاریخی آن، و دوری از خطاهای سهو و عمد، جملگی می طلبد که در عرصه ی پدیده ی تاریخی باید قدم را از مرز نقل و گزارش تاریخی فراتر گذاشت و به مرحله ی اساسی پژوهش های تاریخی، یعنی تبیین های تاریخی وارد شد.

پیشینه ی تبیین تاریخی پدیده ی عاشورا

متون متعددی درباره ی حادثه ی عظیم عاشورا نوشته شده است که برخی مستقلا و برخی در کنار بررسی سایر حوادث تاریخی اسلام به تاریخ عاشورا پرداخته اند. منابع اولیه ی پدیده ی تاریخی عاشورا را پنج متن قدیمی و اصیل تشکیل می دهند که عبارت اند از: مقتل الحسین ابومخنف (م 157)، طبقات الکبری ابن سعد (م 230)، انساب الاشراف بلاذری (م 279)، اخبار الطوال دینوری (م 282) و الفتوح ابن اعثم (م 314) که قدیمی ترین این آثار مقتل الحسین (ع) ابومخنف است. منابع مذکور شرح حال مفصلی از جریان عاشورا و حاوی جزئیات و اخبار ریز و دقیقی هستند که از لحاظ مواد خام تاریخی حادثه ی عاشورا ارزش بالایی دارند. (جعفریان، 1381، 1376) از سایر منابع مهم تاریخ عاشورا می توان به متونی هم چون: تاریخ طبری (م 310)، الارشاد شیخ مفید (م 413)، مقاتل الطالبیین (م 356)، مناقب ابن شهر آشوب (م 588)، مقتل الحسین (ع) خوارزمی (م 568)، مقتل الحسین (ع) امام طبرانی (م 360)، تاریخ الخلفا (مجهول المؤلف)، البدء والتاریخ مطهر بن طاهر مقدسی (م 3553) لهوف ابن طاوس (م 664)، کشف الغمه فی معرفة الاثمه (ع) عیسی اربلی (م 692) مقتل الحسین عبدالرزاق مقرر؛ و از آثار جدید می توان به نفس المهموم شیخ عباس قمی، عبرات المصطفین شیخ محمدباقر محمودی، بررسی تاریخ عاشورا محمد ابراهیم آیتی، گوشه ای از سرگذشت و شهادت امام حسین (ع) علی غفوری، سالار شهیدان حسین شیخ الاسلامی، نهضت حسینی سیدعلی فرحی، مقتل الشمس محمدجواد صاحبی، ادب الحسینی و حماسه احمد صابری همدانی، مع الحسین فی نهضته اسد حیدر و قصه ی کربلا علی نظری منفرد نام برد. (همان)

در زمینه ی آثار تحلیلی می توان به متونی هم چون: شهید جاوید صالحی نجف آبادی، شهید آگاه آیه الله صافی گلپایگانی، درسی که از حسین (ع) باید آموخت شهید عبدالکریم هاشمی نژاد، بعد از پنجاه سال دکتر جعفر شهیدی، الفبای فکری امام حسین (ع) محمدرضا صالحی کرمانی، پژوهشی پیرامون زندگی امام حسین (ع) محمدمهدی شمس الدین، حماسه حسینی استاد مطهری، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه و تاملی در نهضت عاشورا رسول جعفریان و انقلاب عاشورا دکتر مهاجرانی اشاره کرد. (جعفریان، 1376)

خطوط کلی و محوری سبک نگارش منابع تاریخ عاشورا

1. اکثر منابع و متون مربوط به حادثه ی عاشورا، مخصوصا قرون قبلی بر پایه ی روش روایی بنا شده است و سبک و متد تاریخ نگاری آنها بر اساس ذکر روایات مختلف تاریخی و نقل و گزارش است، حال یا به شیوه ی تاریخ نگاری مکتب حجاز، به صورت «معنعن»، و یا به شیوه ی تاریخ نگاری مکتب عراق، به صورت تداخل روایات و

اسناد و یا حذف اسناد . این منابع از لحاظ مواد خام تاریخی دارای ارزش و اعتبار هستند .

2 . به ندرت دیده می شود که منابع و متون تاریخی عاشورا در کنار نقل، به روش ترکیبی به مقایسه، ترکیب،

سنجش و ایجاد سازگاری میان روایات گوناگون تاریخی بپردازند . در این میان می توان به اخبار الطوال دینوری

اشاره کرد که بهره هایی از روش ترکیبی را در خود جای داده است . (سجادی، فصل 3، ص 44)

3 . اکثر متون مربوط به پدیده ی تاریخی عاشورا از لحاظ متد تاریخ نگاری فاقد روش تحلیلی اند؛ یعنی در کنار نقل

روایات تاریخی به تحلیل و تبیین و بررسی علل و نتایج آنها نپرداخته ند، مگر در موارد نادری که در قرون اخیر به

رشته ی تالیف درآمده اند که نمونه هایی از آنها در ذیل بررسی خواهد شد .

4 . شاخص های تبیین تاریخی چه تبیین قانونمند، چه تبیین عقلانی و چه تبیین روایی جز در معدودی از متون

تاریخی حادثه ی عاشورا که نوعا در قرن اخیر نوشته شده اند، مشاهده نمی شوند؛ و سایر آثار فاقد متدی از

لحاظ تبیین تاریخی هستند .

در قرن اخیر حرکت های مطلوبی از لحاظ متدشناسی و روش شناسی تاریخی در فاز مطالعاتی تاریخ نگاری صورت

گرفته است که قابل تامل است و از لحاظ روش تحلیلی و تبیین تاریخی، با اقسام مختلف آن، محصولات قابل

نقدی عرضه شده است که مبحث عاشورا هم از این قاعده مستثنا نبوده است .

هر چند مبحث تبیین در فاز پژوهش های تاریخی، به طور عام، و حادثه ی عاشورا، به طور خاص، در ابتدای مسیر

قرار دارد و از لحاظ تبیین قانونمند تاریخی هنوز حرکت قابل توجهی صورت نگرفته است، به عنوان نمونه، چند اثر

تاریخی را درباره ی حادثه ی عاشورا از لحاظ تبیین تاریخی مورد بررسی و ارزیابی قرار می دهیم .

البته شاخص عمده ی متون ذیل که برای ارزیابی تبیین تاریخی گزینش شده اند، تبیین های عقلانی است، و با

توجه به این که در تحلیل پدیده ی تاریخی عاشورا، از تبیین قانونمند و حتی تبیین روایی بهره ی چندانی نبرده اند

و مؤلفان آنها توجه جدی به انگیزه ها، آرمان ها، تمایلات و رفتارهای ساده و پیچیده ی عاملان حادثه ی عاشورا

داشته اند، در بحث شواهدی از تبیین های تاریخی کتب موردنظر، تفصیلا شواهد و مصادیق عقلانی ذکر شده

است .

کتاب قیام امام حسین (ع)

قیام امام حسین (ع) تالیف دکتر سیدجعفر شهیدی، یکی از مورخان معاصر است . مؤلف در حوزه ی تاریخ نگاری

پدیده ی تاریخی عاشورا، از لحاظ سبک و متد، اثری تحلیلی و تبیینی ارائه داده است که به لحاظ پژوهشی و

تحقیقی و اعتبار کیفی قابل تامل است . خطوط محوری سبک نگارش آن را می توان این گونه شمرد:

الف) در تحقیق و پژوهش تاریخی بر ضرورت استفاده از شیوه ی علمی تاکید دارد . در خواندن متون تاریخی و

تحلیل و بررسی آن، شرایط دیگری، از جمله، توجه به وضع جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی را الزامی می داند و در

تحلیل و تبیین پدیده ی تاریخی عاشورا توجه خاصی به سه مؤلفه ی مذکور نشان داده است؛ به عنوان مثال، در

تحلیل ریشه های تاریخی حادثه ی عاشورا، به قدرت سیاسی و اقتصادی جامعه ی آن روز و ترکیب ساختمان

اجتماعی و موقعیت جغرافیایی شبه جزیره ی عربستان می پردازد . (شهیدی)

ب) در نگارش پدیده ی تاریخی عاشورا (مثلا در اطلاع یافتن امام حسین (ع) از قتل مسلم) از روش ترکیبی (10)

استفاده کرده و روایت ها و گزارش های گوناگون را از راه مقایسه، ترکیب، سنجش و ایجاد هم خوانی میان آنها

مورد نقادی قرار داده است .

(ج) روش تحلیلی و تبیینی مؤلف در بررسی علل و نتایج پدیده ی تاریخی عاشورا هم به تبع روش ترکیبی است و هم تکیه بر دقت های عقلانی و برداشت های عقلانی تاریخی دارد . از تحلیل های مبتنی بر دقت های عقلانی ایشان می توان به مواردی هم چون تحلیل دگرگون شدن نظام اسلامی و سقوط اجتماع در عصر مورد بحث، برخورد عبیدالله بن زیاد و همراهان او با مسلم در کوفه و برخورد یزید با اسرا در دمشق اشاره کرد .

(د) در رفع تناقض بین گزارش های متضاد و نقل های مختلف، علاوه بر ترکیب و ایجاد سازگاری بین آنها، از قرینه های خارجی به عنوان یک ابزار تحقیقاتی استفاده می کند . مؤلف در مورد مخالفت امام حسین (ع) با بیعت کردن، حرکت وی از مدینه به مکه و رسیدن دعوت نامه های مردم کوفه و فرستادن مسلم به کوفه و حرکت از مکه به عراق با همه ی اختلافات در جزئیات روایت ها، آنها را با سنجش قرینه های خارجی مورد تاکید قرار می دهد .

(ک) مصادیق متعددی از تبیین های تاریخی خصوصا تبیین های عقلانی دیده می شود و به انگیزه ها، کنش ها و اعمال کارگزاران تاریخی آن عصر توجه لازم را دارد . نمونه هایی از برداشت های عقلانی تاریخی در ذیل بررسی خواهد شد .

شواهدی از تبیین های عقلانی

1 . اطلاع یزید و سران دمشق از جریان نامه های کوفیان و مشاوره ی یزید با اطرافیان برای حل آن، انتخاب عبیدالله بن زیاد به عنوان حاکم کوفه با توجه به نوع تربیت عبیدالله، که از دسته بندی های سیاسی بصره و کوفه آگاهی کافی، و به راه های فروخواباندن آشوب، و قتل و آدم کشی و زندانی کردن تسلط لازم را داشت و زیرکی و موقع شناسی وی در چنین محیط سیاسی بزرگی قابل توجه بود . مؤلف، انتخاب عبیدالله بن زیاد به عنوان حاکم کوفه را تبیین عقلانی نموده است . ارکان و اضلاع این تبیین عبارت اند از: توجه به انگیزه ها و نیت یزید از علت این انتخاب در آن برهه ی تاریخی، رفتار و عملکرد یزید در قبال دعوت کوفیان، کنش ها و واکنش های عبیدالله بن زیاد در برخورد با اهل کوفه با توجه به امیال و اهداف ایشان، بیان علل و دلایل عملکرد یزید در قبال کوفیان با توجه به نیت و معیارهای ایشان که سیکل و گردش یک تبیین عقلانی تاریخی را نشان می دهد . (ص 125-126)

2 . یکی از مصادیق تبیین عقلانی تاریخی، آماده شدن مقدمات قیام امام حسین (ع) است . عدم بیعت با یزید و به رسمیت نشناختن او، شایسته سالاری حضرت امام (ع) از لحاظ رهبری بر امت، خصوصیات پست اخلاقی یزید، تسلط یزید بر مسلمانان و ادعای خلافت او به عنوان منکری روشن، کوشش امام حسین (ع) در زدودن بدعت و نابود ساختن منکر، مرد دین بودن، رضای خدا و آسایش مسلمانان را دیدن و آگاهی امام از لجاجت یزید بر بیعت گرفتن از او، شاخص های یک تبیین عقلانی تاریخی را مؤلف در این تبیین ارائه داده است که عبارت اند: بیان انگیزه ها و خواسته های امام در عدم بیعت با یزید و آماده کردن مقدمات قیام و نشان دادن معیارها و امیال امام یک بعد از ابعاد تبیین تاریخی است . بیان کنش ها و عملکردهای امام با توجه به انگیزه های ایشان در عدم بیعت، شایسته سالاری امام، تلاش در زدودن بدعت و حرکت به سمت قیام بعد دیگری از ابعاد تبیین تاریخی عقلانی ایشان است . (ص 144-145)

3 . سکوت شهرهای بزرگ اسلامی (چون: مکه، مدینه، دمشق و بصره) در قبال حادثه ی کربلا، تحلیل چگونگی ابلاغ بیعت یزید به امام حسین (ع)، رفتار دوگانه ی کوفیان در قبال دعوت از امام، چگونگی ورود مسلم به کوفه

و تحلیل حضور او با وضعیت داخلی کوفه، برخورد امام با حر بن یزید و فعل و انفعالات ناشی از آن، تحلیل موقعیت مذهبی و سیاسی دمشق و ده ها مورد دیگر که مؤلف در تمامی این ها به تبیین کنش ها و واکنش ها، اعمال کارگزاران تاریخی، توجه به خواسته ها، انگیزه ها و معیارها پرداخته و ساختار تبیین عقلانی را در آنها رعایت کرده است .

بررسی تبیین قانونمند

تبیین قانونمندی پدیده های تاریخی، فرع بر تعمیمی (11) بودن دانش تاریخ است، نه تفریدی (12) بودن آن . مؤلف در تبیین پدیده ی تاریخی عاشورا، مثل دعوت کوفیان، واکنش شام در قبال آن، مقدمات قیام امام حسین (ع)، طرح بیعت یزید و سکوت شهرهای بزرگ آن روز، به علت های موردی و منفرد همان مقطع تاریخی استناد می کند و این بیانگر تفریدی بودن بینش ایشان در قبال دانش تاریخ است که تبیین پدیده ی تاریخی عاشورا را از قانونمند بودن خارج می سازد .

بنابراین، نمونه هایی از تبیین قانونمند در اثر مذکور مشاهده نمی شود و این ناشی از مبنای مؤلف است . نیاز به ذکر است در تمامی متون انتخاب شده ی ذیل به علت ذکر علل و عوامل اختصاصی و انفرادی برای تحلیل پدیده ی عاشورا و عدم اتخاذ مبنای تعمیمی بودن دانش تاریخ، فاقد تبیین های قانونمند می باشند؛ لذا از بررسی تبیین قانونمند در آن متون خودداری می شود .

مصادقی از تبیین روایی: از نمونه های تبیین روایی می توان به تشریح جریان فرمان دهی عمرسعد از سوی ابن زیاد، سخت گیری در حادثه ی عاشورا و اجرای بی رحمانه ی آن اشاره کرد . قواعد و اسلوب تبیین روایی در نمونه ی مذکور مشاهده می گردد و مؤلف در تبیین واقعه ی مذکور با گزینش مناسب از حوادث قبلی و استناد به آن مصادقی از تبیین روایی را آورده است . (ص 163-170)

محصول و تولید تبیین های تاریخی مؤلف با توجه به عنصر هدف، «نظریه ی دفاع» و احیاناً «نظریه ی اصلاح» است . ایشان در تحلیل حادثه ی کربلا و ایجاد آن، هدف امام حسین (ع) را مبتنی بر نظریه ی دفاع می داند . هر چند نظریه های دفاع و اصلاح را به نوعی جمع کرده است و جمع نظریه های مطرح درباب هدف امام حسین (ع) ممتنع نیست . براساس نظریه ی دفاع، امام حسین (ع) در همه حال، چه در مدینه، چه در مکه و چه در متن حادثه ی عاشورا، موضع دفاعی داشت . اقدامات قهرآمیز و خصمانه ی بنی امیه برای تایید خلافت خود از طرف امام (ع) و مشروعیت دادن به مبنای آن آنها را واداشت تا در مقابل امام حسین (ع) موضع هجومی اتخاذ کنند؛ بنابراین پایه و اساس نظریه ی دفاع مبتنی بر اثبات هجوم بنی امیه است تا امام در قبال هجوم آنها موضع دفاعی بگیرد . روند حرکتی مؤلف در تحلیل حادثه ی کربلا و تبیین عقلانی آن بیانگر اتخاذ نظریه ی دفاع است، اما در کنار التزام به نظریه ی دفاع، از نظریه ی اصلاح هم پیروی می کند و امتناع امام حسین (ع) از بیعت و حتی حرکت به سوی کوفه را نوعی اقدام اصلاحی، و فعالیت امام حسین (ع) در راستای حرکت خویش را، فعالیتی برای تصحیح تفکر سیاسی و هنجار بخشیدن به رفتار سیاسی امت می داند .

البته علت این که نظریه ی اصلاح را هم در متن تحلیل پدیده ی تاریخی با توجه به عنصر هدف تبیین کرده، این است که اقدام انقلابی و تشکیل حکومت را برای امام حسین (ع)، با توجه به موانع متعدد و فقدان امکان عملی آن، میسر نمی داند . به عبارتی نظریه ی اصلاح با «نظریه ی انقلاب» قابل جمع نیست؛ زیرا در صورت امکان نظریه ی انقلاب نیازی به نظریه ی اصلاح نیست؛ اما شواهد تاریخی نشان می دهد که در زمان بروز حادثه ی کربلا،

شرایط و امکان براندازی بنی امیه، آن هم به صورت انقلابی فوری، محقق نبود؛ و از این رو امام حسین (ع) به سمت حرکت اصلاحی قدم برداشت تا به تدریج ساختار سیاسی جامعه ی آن روز به تحول تفکر سیاسی و تغییر ساختار حاکمیت منتهی شود .

کتاب انقلاب عاشورا

انقلاب عاشورا، تالیف دکتر سید عطاءالله مهاجرانی یکی از متون پژوهشی و تخصصی در حوزه ی مطالعاتی تاریخ نگاری عاشورا است . شاخص عمده ی اثر مذکور را می توان برداشت ها و دقت های عقلانی تاریخی دانست . نکات محوری ایشان در سبک و متد نگارش تاریخ عاشورا عبارت اند از:

- 1 . از نظر روش تاریخ نگاری از روش روایی صرف و مرز توصیف و نقل تاریخی فراتر رفته و تبیین های تاریخی خصوصا از نوع عقلانی ارائه داده است . در ریشه یابی حادثه ی کربلا، دگرگونی باورها و ارزش های جامعه ی آن روز، تحلیل انتقادی سلطنت معاویه، اهداف معاویه از ولایت عهدی یزید و اهداف امام حسین (ع) از قیام بر نقل و توصیف روایت های تاریخی تکیه ندارد و با تجزیه و تحلیل به تشریح این پدیده ی تاریخی می پردازد .
- 2 . از روش ترکیبی (مقایسه، ترکیب و ایجاد سازگاری میان روایات مختلف و متعارض) بهره ای نمی برد، بلکه مبنای ایشان ملاحظه ی دقت های عقلانی و قرینه های عقلانی تاریخی مربوط به پدیده ی عاشورا است؛ به عنوان مثال، در تحلیل و تشریح حوادثی مثل هدف معاویه از سب علی (ع)، جزئیات حادثه ی عاشورا، و رفتار دوگانه ی کوفیان، در قبال روایت های متعارض بر عقل و کاربرد آن تکیه دارد .
- 3 . مصادیق متعددی از تبیین عقلانی تاریخی در تحلیل های ایشان مشاهده می شود؛ از جمله: تحلیل ریشه های تاریخی عاشورا، اهداف معاویه از رواج دوباره ی فرهنگ و ارزش های جاهلی، چگونگی زمینه سازی ولایت عهدی یزید که از شاخص های تبیین عقلانی وی در این پدیده هستند .
- 4 . مدل فراگیر (13) و شاخصه های تبیین قانونمند تاریخی در تحلیل و تعلیل پدیده ی تاریخی عاشورا، در اثر مذکور دیده نمی شود .

- 5 . شاخصه های تبیین روایی که عبارت اند از انتخاب گزینشی حوادث تاریخی عاشورا، و توضیح و تبیین حوادث با نقل حوادث پیشین، تا حدودی از محتوای فنی قابل استخراج می گردد؛ البته چنان که قبلا ذکر شد، در مواردی تبیین تاریخی روایی و عقلانی قابل جمع اند؛ و مؤلف نیز در مواردی تبیین های روایی تاریخی را از زاویه ی عقلانی انجام داده و به نحوی این دو را با هم جمع کرده است .

شواهدی از تبیین های عقلانی

- 1 . نویسنده در تحلیل شکل گیری و تکوین پدیده ی تاریخی عاشورا به ریشه های این پدیده، به عنوان پیش شرط این تحلیل می پردازد . امام حسین (ع) را به عنوان نماد و نشانه ی روشن حقیقت اسلام و یزید را به عنوان نشانه و نماد اسلام موجود بررسی می کند و به دو جریان فکری و سیاسی و دو نوع تعبیر از اسلام، که عاشورا نقطه ی تقابل آن بود، نظر دارد . وی ارکان تبیین عقلانی تاریخی در موارد مذکور را رعایت می کند و با التزام به شاخص های تبیین عقلانی به برداشت های عقلانی می پردازد . توجه به کنش ها و واکنش های امام حسین (ع) و یزید و معیارها، اهداف و اعمال آنها در رخ دادهای عاشورا، دلیل بر تبیین عقلانی مؤلف است . (ص 19-21)
- 2 . یکی دیگر از مصادیق تبیین های عقلانی تاریخی، بررسی دگرگونی ارزش ها و باورهاست که یکی از زمینه های

شکل گیری عاشورا است . بیان انگیزه و رسالت پیامبر (ص) در از بین بردن نظام و ارزش های جاهلی و قبیله ای و بیان انگیزه ی معاویه در تلاش برای بازگرداندن نظام و ساختار قبیله ای، که از درون و برون متلاشی شده بود، با انگیزه ی نهادینه کردن سازمان سیاسی خویش بر بنیان آنها، شاخصه های تبیین عقلانی در تحلیل های مؤلف در زمینه ی موضوع مذکور است .

3 . در تحلیل ریشه های حادثه ی کربلا به بررسی و پژوهش کارگردانی معاویه و مروان بن حکم در قتل عثمان توجه دارد . آنان عثمان را در موقعیت کاملاً شکننده ای قرار دادند، در یاری رساندن به عثمان کوتاهی و در خون خواهی اش شتاب کردند و از قتل عثمان به عنوان مهم ترین ابزار تحکیم سلطنت و کیاست و گسترش حوزه ی حکومتی خویش استفاده کردند .

در این تحلیل تبیین انگیزه و نیت معاویه در قتل عثمان و عملکرد و اعمال وی در این زمینه ی تاریخی، شاخص ها و اضلاع یک برداشت عقلانی تاریخی را تشکیل می دهد .

4 . تشریح و تحلیل جریان سلطنت معاویه و رابطه ی آن با سب علی (ع) یکی از شواهد تبیین تاریخی عقلانی است . انگیزه ی معاویه از سب علی (ع)، از میان برداشتن یک میزان بود؛ زیرا حضرت علی (ع) از جهت سیره و حکومت یک میزان بود . معاویه می خواست با سب علی (ع) طاقت یاران علی (ع) را سلب و در درون آنها زخمی ایجاد نماید . وی دشنام گویی به علی (ع) را به عنوان یک برنامه ی حکومتی در دستور کارش قرار داد و آن را تبدیل به یک فرهنگ و هنجار اجتماعی و از بارزترین سلاح های تبلیغاتی سیاسی خویش کرد .

مؤلف در تبیین و تحلیل پدیده ی تاریخی فوق، از دید عقلانی به انگیزه ها، اهداف، کنش ها و تمایلات و گرایش های ساده و عمومی و ویژه ی معاویه پرداخت که از شاخص های تبیین عقلانی تاریخی است . (ص 87-88)

5 . انگیزه ی امام حسین (ع) از حرکت تاریخی اش، چه از لحاظ ویژگی اثباتی و چه سلبی، یکی دیگر از مصادیق تبیین عقلانی تاریخی ایشان است . انگیزه و هدف امام از حرکت انقلابی اش اصلاح امت رسول الله (ص)، عدم سرمستی و سرکشی و مفسده جویی، خود را در مسیر حق قرار دادن، اصلاح امت به عنوان شعار و پرچم حرکت ایشان، احیای معروف و نهی از منکر و برگرداندن هر دو به موضع اصلی اش در جامعه، و در نتیجه، احیای دین و براندازی مبانی حکومت یزید بود . تحلیل حرکت تاریخی امام از زاویه و نگاه انگیزه ای، کنش های امام در برابر یزید، گرایش های عمومی امام حسین (ع) در برخورد با حکومت فاسد بنی امیه و توجه به معیارهای حرکت امام با توجه به علل و دلایل عقلانی آنها از شاخصه های تبیین عقلانی تاریخی است . (ص 176-177)

مصادیقی از تبیین روایی: تبیین و تحلیل ماهیت و مبانی ساختار سلطنت معاویه یکی از مصادیق تبیین های روایی مؤلف است . وی در تشریح ماهیت و مبانی ساختار سلطنت معاویه، که آن را یکی از عوامل شکل گیری پدیده ی عاشورا می داند، از مؤلفه های تبیین روایی کمک گرفته است . البته مؤلف در تبیین واقعه ی مذکور از هر دو تبیین عقلانی و روایی در عرض هم بهره برده است . (فصل چهارم)

نتیجه و محصول تبیین های تاریخی مؤلف، با توجه به عنصر هدف و آرمان در این حرکت تاریخی، مبتنی بر «نظریه انقلاب» است . البته نظریه ی انقلاب ایشان با نظریه ی مرسوم انقلاب تا حدودی تفاوت دارد . در نظریه ی انقلاب، گاه انقلاب در سازمان حکومت رخ می دهد و هدف آن تغییر شکل موجود حکومت است، گاهی انقلاب به سازمان حکومت صدمه ای وارد نمی کند، بلکه با حفظ شکل حکومت خواستار تغییر مهره های قدرت است؛ و گاهی انقلاب ماهیت حکومت را از لحاظ شدت و ضعف قدرت تحت تاثیر قرار می دهد و به تعبیر هانتینگتون (14) انقلاب یک تحول داخلی سریع، بنیادین و خشونت آمیز در زمینه ی ارزش های مسلط و اسطوره

ی یک جامعه است. نظریه ی انقلاب در حادثه ی تاریخی عاشورا به این معناست که حرکت امام حسین (ع)، این توان و امکان را باید پیدا می کرد که با ایجاد پایگاه وسیع مردمی، نظام حاکم اموی را ساقط و نظامی تازه برپا نماید. طبق این نظریه امام در حرکت تاریخی خود به براندازی خلافت اموی نظر و تاکید دارد و هدف اصلی امام در این حرکت تاریخی همین است. لازمه ی نظریه ی انقلاب مبتنی بر این است که براندازی حکومت اموی و امکان براندازی آن با توجه به مدارک و شواهد تاریخی به اثبات رسیده باشد، در غیر این صورت، طرح نظریه ی انقلاب در حرکت امام مفهومی نخواهد داشت؛ اما شواهد تاریخی خلاف نظریه ی انقلاب است؛ زیرا نه توده های مردم جذب شدند و نه این حرکت این امکان و توان را یافت که به براندازی حکومت اموی منجر شود و نه پایه های حکومت اموی آن اندازه سست بود که با یک انقلاب سریع داخلی فرو ریزد؛ با این حال، اتخاذ نظریه ی انقلاب با توجه به عنصر هدف و آرمان در حرکت امام از دیدگاه مؤلف تنها از جهت یک تحول داخلی سریع و برانداز نبود، بلکه به اعتقاد مؤلف، عاشورا از این لحاظ انقلابی است که در حقیقت، چهره ی اسلام و جامعه ی اسلامی و ساختار حکومت بنی امیه را دچار تغییر و تحول کرد، اما نه دفعی و سریع، بلکه تدریجی و با ایجاد دگرگونی در عمق ریشه ها. تغییر مبانی ارزش های جامعه ی آن روز زمینه ی اصلی انقلاب عاشورا بود که با تغییر اندیشه و آرمان به ساختار بنی امیه نیز تسری یافت. عاشورا در حالات روحی انسان ها تغییری به وجود آورد که هیچ حادثه ی تاریخی دیگری به وجود نیاورد و عاشورا سیطره ی بنی امیه را از درون فروپاشید؛ لذا اتخاذ نظریه ی انقلاب از جانب مؤلف، با توجه به تصریح ایشان، اگر چه واقعه ی عاشورا در شکل ظاهری، مختصات یک انقلاب را ندارد، اما ماهیت و غایت عاشورا یک انقلاب حقیقی است.

کتاب های تاملی در نهضت عاشورا و حیات فکری و سیاسی امامان شیعه

تاملی در نهضت عاشورا و حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، دو اثر مستقل از رسول جعفریان هستند. کتاب اول به طور مشروح و مستقل به تاریخ زندگانی امام حسین (ع) پرداخته و کتاب دوم در کنار بررسی سیاسی و فکری سایر امامان، به زندگی امام سوم نیز پرداخته است. خطوط کلی و محوری متد نگارش تاریخی مؤلف را در دو اثر مذکور می توان با شاخصه های ذیل مورد نقادی قرار داد:

1. سبک و ساختار حاکم بر شیوه ی نگارش تاریخ ایشان، نقل و گزارش است و در کنار این روش، روش تحلیلی هم، نه به صورت روش حاکم، مشاهده می شود؛ به عنوان نمونه، در بررسی جریان های مربوط به حرکت امام (ع) از مدینه به مکه به خاطر امتناع از بیعت، جزئیات حضور امام در مکه، بیان حوادث کوفه، چگونگی لشکر یزید و حوادث ریز مربوط به روز عاشورا بر اساس نقل و گزارش مفصلی بیان شده است و حالت توصیفی صرف دارد.
2. در بررسی تاریخی حادثه ی عاشورا، نوعاً به منابع اولیه و معتبر تاریخی تکیه کرده و در قبال گزارش ها و اخبار گوناگون و متعارض توجهی به روش ترکیب نیز دارد؛ به عنوان مثال در تبیین حضور کوفیان در لشکر عمر سعد از روش ترکیبی استفاده شده است.
3. چنان که ذکر شد، ساختار حاکم و غالب بر متد نگارش تاریخی ایشان تحلیل و تبیین نیست؛ اما در مواردی از تبیین های عقلانی تاریخی در کالبدشکافی جزئیات عاشورا استفاده کرده که در بحث شواهدی از تبیین ها نمونه هایی از آنها بررسی خواهد شد.
4. انتخاب گزینشی از حوادث پدیده ی تاریخی عاشورا، و توضیح و تبیین برخی نقل های تاریخی با گزارش های قبلی، بیانگر نمودی از تبیین روایی در اثر مؤلف است.

1. مؤلف در ارزیابی پدیده ی عاشورا به زمینه های سیاسی قیام عاشورا اشاره می کند و به تشریح سه نوع نظام سیاسی از زمان رسول (ص) تا زمان معاویه، یعنی نظام نبوی و ولایی، نظام خلافت و نظام سلطنتی - خلافتی می پردازد؛ و به بیان سه نوع برخورد با دین اسلام (برخورد مصلحت جویانه و تاویل گرانه، برخورد سودجویانه با دین و برخورد ارادتمندانه ی امام علی (ع) با کتاب و سنت) اشاره دارد. مؤلف در تبیین موارد فوق با رعایت شاخص های تبیین عقلانی تاریخی، به انگیزه ها و کنش ها و اعمال آنها (حضرت رسول (ص) و معاویه) می پردازد که شواهدی بر تبیین عقلانی مؤلف است. (1381، ص 41-42)

2. راه های منحرف کردن عامه ی مردم، فعالیت امویان در شام مبنی بر انتساب نسل خویش به پیامبر (ص)، جعل فضایل برای معاویه تا حد کاتب وحی، جعل روایاتی در مذمت امام علی (ع)، استفاده از مفاهیم اساسی سیاسی و دوپهلوی برای قانع کردن مردم و استدلال بر آنها و تلاش معاویه برای بازگرداندن ساختار نظام قبیله ای، یکی دیگر از مصادیق تبیین عقلانی مؤلف است. توجه به خواسته ها، انگیزه ها گرایش ها و نیز اعمال و رفتار معاویه و بنی امیه - چه از نوع رفتار ساده و چه از نوع رفتار ویژه - از ابعاد و اضلاع تبیین عقلانی تاریخی است. (همان ص 46-47 و 1372 ص 126-127)

3. مخالفت امام حسین (ع) و عدم بیعت با یزید یکی دیگر از شواهد تبیین عقلانی تاریخی است. در تحلیل پدیده ی تاریخی مذکور، توجه به انگیزه ها، تمایلات، کنش ها و رفتار خاص یزید از طرح مسئله ی بیعت و امتناع امام حسین (ع) از بیعت، و تشریح این عمل، توجه به اهداف و معیارهای امام حسین (ع)، با توجه به اعمال و کردارهای آن حضرت و پیامدهای عدم بیعت امام حسین (ع) با توجه به کنش ها و واکنش های امام (ع)، بیانگر وجود شاخص های تبیین عقلانی و برداشت عقلانی تاریخی است. (1381، ص 164-165 و 1372، ص 114-115)

4. یکی دیگر از پدیده های تاریخی مربوط به حادثه ی کربلا، که مؤلف بر اساس تبیین عقلانی تاریخی به تحلیل آن پرداخته، جریان فرصت یافتن مسلم بن عقیل در از بین بردن ابن زیاد است. مؤلف با توجه به ارکان یک تبیین عقلانی تاریخی، به تبیین انگیزه ها، کنش ها، واکنش ها و رفتار خاص مسلم بن عقیل در عدم قتل ابن زیاد، پرداخته است. (1381)

مصادقی از تبیین روایی

تبیین های روایی متعددی را می توان در دو اثر مؤلف مشاهده کرد: یکی از این نمونه ها تبیین سفر امام به عراق و علت این سفر است. مؤلف در عرض تبیین عقلانی، از تبیین روایی هم در واقعه ی موردنظر (حرکت امام به عراق) استفاده کرده است. (1381، فصل «گزارشی دیگر از رویکرد کربلا»)

اساس و بنیان تبیین های عقلانی تاریخی مؤلف با توجه به عنصر آرمان و هدف در پدیده ی تاریخی مذکور، «نظریه ی دفاع» و «نظریه ی اصلاح» است. بر اساس تحلیل مؤلف و با توجه به اتخاذ نظریه ی دفاع، امام حسین (ع) در تمام اوضاع و شرایط پیش آمده از مدینه تا کربلا موضع دفاعی داشت و پاسخ به نامه های بی شمار کوفیان و حرکت به سمت کوفه نیز تدبیری دفاعی بود. با توجه به شواهد و مدارک تاریخی موجود، بنی امیه با تکیه بر قدرت قهرآمیز خود، امام حسین (ع) را در فشار قرار دادند و امام (ع) در قبال حالت هجومی یزید

و اطرافیان‌ش مجبور به موضع دفاعی شد و حتی یکی از علل حرکت امام از مکه به سمت عراق همین بود. شایان ذکر است که نظریه‌ی دفاع در صورتی درست است که امکان نظریه‌ی انقلاب وجود نداشته باشد؛ و با توجه به شواهد و مستندات تاریخی، امکان براندازی حکومت اموی با یک انقلاب سریع و داخلی وجود نداشت؛ لذا تا حدودی اتخاذ نظریه‌ی دفاع در تحلیل پدیده‌ی تاریخی عاشورا، با توجه به عنصر هدف در حرکت امام (ع)، درست به نظر می‌رسد.

البته در کنار نظریه‌ی دفاع، نظریه‌ی اصلاح نیز مشاهده می‌شود؛ به تعبیری، مؤلف در تبیین تاریخی پدیده‌ی عاشورا، با توجه به عنصر هدف جمع هر دو نظریه را مد نظر داشته است؛ لذا از دیدگاه نظریه‌ی اصلاح، در تمام حرکت‌های امام حسین (ع)، حتی امتناع از بیعت و حرکت به کوفه، نوعی اقدام اصلاحی دیده می‌شود. فعالیت امام برای ایجاد نظم و هنجار اصلاحی در تفکر سیاسی حاکم بر جامعه و سر و سامان دادن رفتار سیاسی امت بود. امام حسین (ع) با توجه به عدم امکان براندازی حکومت اموی با یک انقلاب سریع داخلی، می‌کوشید با تغییرات بنیادین تدریجی به مرور در ساختار قدرت اموی تحول ایجاد نماید. نظریه‌ی اصلاح هم مانند نظریه دفاع در صورتی امکان عقلی و عملی دارد که امکان نظریه‌ی انقلاب وجود نداشته باشد. توجه به بیانات و اهداف و کنش‌های امام حسین (ع) در حرکت تاریخی با نظریه‌ی اصلاح همسانی دارد و با توجه به عنصر هدف، به نظر می‌آید حرکت امام در کنار حرکت دفاعی، یک نوع حرکت اصلاحی تدریجی بود. (1381، 1372)

کتاب تشیع در مسیر تاریخ

تشیع در مسیر تاریخ، تالیف دکتر سیدحسین محمد جعفری، از پژوهشگران هندی، در زمینه‌ی تاریخ اسلام است. اساس و بنیان محتوای کتاب بر نقد و انتقاد تحلیلی به پیدایش و تکوین تشیع است. مؤلف در ضمن این هدف، در بخش هفتم و هشتم کتاب، تحت عنوان «امام حسین (ع) و بازتاب واقعه‌ی کربلا»، گزارشی مفصل و تحلیلی درباره‌ی پدیده‌ی تاریخی عاشورا دارد. خطوط کلی متد علمی نگارش تاریخی ایشان را می‌توان به طور خلاصه به شکل زیر ترسیم کرد:

الف) پشتوانه‌ی تحلیل و تبیین‌های تاریخی ایشان، علاوه بر گزارش‌های متون موثق و قدیمی تاریخی و سنجش و ترکیب گزارش‌ها، نگاه‌ها و دقت‌های عقلانی مؤلف است؛ بررسی دلایل دعوت کوفیان از لحاظ مذهبی و سیاسی، آگاهی امام حسین (ع) از خطرهای احتمالی، و استراتژی مشخص امام، از این نوع هستند.

ب) مؤلف در بررسی منابع تاریخی پدیده‌ی عاشورا و تحلیل آن، نگاهی انتقادی و اجمالی به اسلام‌شناسان غربی‌ای که وارد حوزه‌ی مطالعه‌ی نهضت حسینی شده‌اند، دارد. این متفکران با متدلوژی مکانیکی و مکتب صرف تاریخی و تحت تاثیر این مکتب به تجزیه و تحلیل پدیده‌ی تاریخی عاشورا پرداخته‌اند. از جمله متفکرانی که در این کتاب مورد نقد و نظر قرار گرفته‌اند می‌توان به ادوارد گیبون، (15) فیلیپ، (16) ارزولا سزگین (17) و گیب (18) اشاره کرد.

ج) تبیین‌های عقلانی متعددی در تبیین تاریخ حادثه‌ی عاشورا عرضه کرده است که به نمونه‌هایی از آنها در ذیل اشاره خواهد شد.

د) از لحاظ تبیین‌های قانونمند و ارائه‌ی مدل فراگیر و عام در تحلیل پدیده‌ی تاریخی عاشورا توفیق چندانی ندارد؛ لذا در نشان دادن گزاره‌های صادق در تمام پدیده‌های تاریخی یا صرفاً گزاره‌هایی کلی که بر بخش اعظم پدیده‌های تاریخی حاکم باشد نمونه‌هایی مشاهده نمی‌شود؛ البته شاید علتش این باشد که نظریه‌ی قانونمند

و یا تبیین قانونمند، بیانگر نوعی تبیین آرمانی و کمال مطلوب است که هنوز در میان مورخان، با توجه به مخالفت ها و موافقت ها، جایگاهی پیدا نکرده است .

مصادیقی از تبیین های عقلانی

(الف) در تبیین دلایل دعوت کوفیان از امام حسین (ع) به مواردی هم چون عدم احساس مذهبی میان همه ی آنها، داشتن دلایل سیاسی برخی از کوفیان، اقدام بعضی از کوفیان نشانگر بیان آرزویشان در سقوط استیلای شامیان، عقب نشینی کوفیان پس از اتخاذ اقدامات افراطی ابن زیاد و سپردن خود به واقعیت موجود، اشاره کرد که حاکی از ارائه ی تبیین ظریف عقلانی و برداشت عقلانی تاریخی از این پدیده ی تاریخی است . توجه به انگیزه ها و امیال کوفیان و کنش ها و واکنش های آنها در قبال امام حسین (ع) و ابن زیاد، و رفتار ساده و ویژه ی کوفیان در قبال حادثه ی مذکور حاکی از شاخصه های تبیین عقلانی در کار مؤلف است . (ص 232-233)

(ب) آگاهی امام حسین (ع) از خطر ها و نتایج حرکت خود نمونه ی دیگری از تبیین عقلانی تاریخی است . تحلیل مواردی هم چون اطلاع از خطر هایی که آن حضرت را بدان ها در بین راه مدینه تا کربلا هشدار می دادند، طرح و استراتژی امام (ع) از حرکت خود برای بیدار ساختن وجدان جامعه ی مسلمین و عدم اقدام و سازمان دهی نظامی در مکه، با توجه به تمایلات و گرایش های امام (ع) و کنش ها و رفتار های ساده و ویژه ی آن حضرت، حرکتی عقلانی در تبیین تاریخ است . (ص 238)

(ج) تحلیل موضع سیاسی امام در قبال طرح تاکتیکی یزید (بیعت)، اقدام امام در مقابل این واکنش علیه کنش اسلامی، تدبیر سیاسی امام حسین (ع)، استراتژی امام در مورد قدرت نظامی، آگاهی کامل از وسعت ماهیت وحشیانه ی نیرو های ارتجاعی، پاسخ امام به افراد خیرخواه و تشریح حرکت حماسی ایشان، نمونه ها و شواهد دیگری از تبیین عقلانی مؤلف است که با رعایت قواعد و شاخصه های تبیین عقلانی تاریخی، یعنی توجه به بیان انگیزه ها، اهداف، تمایلات، گرایش های عمومی در رفتار و اعمال کارگزاران صورت گرفته است . (19)

مصادقی از تبیین روایی

انگیزه ی امام از این اقدام، و حرکت او به سمت کوفه یکی از مواردی است که مؤلف در عرض تبیین عقلانی تحلیل روایی نیز از آن ارائه داده است . (فصل هفتم)

از نوع تحلیل و تبیین مؤلف با توجه به عنصر هدف و آرمان در حرکت تاریخی امام، هم نظریه ی دفاع و هم نظریه ی اصلاح استنباط می شود . به عقیده ی ایشان، با مطالعه و تجزیه و تحلیل دقیق حوادث کربلا به طور کلی، این حقیقت به اثبات می رسد که امام حسین (ع) از همان آغاز به دنبال ایجاد یک انقلاب در وجدان مذهبی مسلمانان بود، نه ایجاد یک انقلاب سریع داخلی با تکیه بر قدرت نظامی؛ چون امام (ع) از قدرت ظاهری حکومت اموی آگاه بود و با توجه به عدم بسیج مردمی می دانست که امکان پیروزی سریع نظامی، که به یک انقلاب سریع و تغییر در ساختار حاکمیت و قدرت منتهی شود وجود ندارد؛ بنابراین، اقدام امام حسین (ع) در قبال کنش حکومت اموی، واکنش اصلاحی و دفاعی بود تا به تدریج به تغییر بنیادین ساختار قدرت و حاکمیت منجر شود .

کتاب حماسه حسینی

حماسه حسینی تالیف استاد شهید مرتضی مطهری، اثری تحلیلی و عقلانی در تشریح پدیده تاریخی عاشورا است. مؤلف در کنار تحلیل واقعه ی عاشورا و ماهیت قیام حسینی، به مباحث تحلیلی، همچون تحریفات در واقعه ی تاریخی کربلا، عوامل تحریف، شعارهای عاشورا، عنصر تبلیغ در عاشورا، وسایل و ابزار پیام رسانی نهضت امام حسین (ع)، ریشه های تاریخی کربلا، فلسفه ی قیام امام حسین (ع) و عنصر امر به معروف و نهی از منکر در نهضت امام حسین (ع) پرداخته و از حیث تحلیل محتوا قابل توجه است.

نقاط محوری و ساختار حاکم بر نگارش تاریخ عاشورا در حماسه حسینی

(الف) سبک نگارش تاریخی ایشان در ضبط و ثبت و تحلیل، مبتنی بر روش روایی و ترکیبی نیست و کم تر به صورت مقایسه ای و ترکیبی و سازگاری به گزارش های تاریخ عاشورا نظر دارد، بلکه توأم با دقت و برداشت عقلانی، تحلیل می کند. به عنوان نمونه در بررسی ریشه های تاریخی کربلا، امتناع امام از بیعت و ماهیت قیام حسینی، از روش روایی و ترکیبی بهره ای نمی برد.

(ب) ساختار حاکم بر شیوه ی تاریخ نگاری ایشان نوعاً تبیین عقلانی تاریخی است که نمونه هایی در ذیل بررسی خواهد شد.

(ج) فاقد شاخص ها و نمادهای لازم برای ارائه ی مدل فراگیر و عام در تحلیل پدیده ی تاریخی است. به تعبیری از تبیین های قانونمند و قاعده مند تاریخی و یا اثبات و تدوین آنها مطلبی استناد نمی شود.

مصادیقی از تبیین های عقلانی

1. یکی از مصادیق تبیین تاریخی عقلانی، ماهیت قیام حسینی است. قیام حسینی یک انقلاب آگاهانه و یک نهضت چند ماهیتی است نه تک ماهیتی. حادثه ی عاشورا به عنوان یک پدیده ی تاریخی و اجتماعی، خلاف پدیده های طبیعی، منافاتی با چند ماهیتی بودن ندارد؛ زیرا عوامل مختلف در آن اثر داشته اند. ماهیت این قیام از یک جهت، به خاطر عدم پذیرش بیعت با یزید عکس العمل منفی، و به خاطر جواب مثبتی که به دعوت کوفیان می دهد عکس العمل مثبت و از حیث عملش تعاون و از جهتی عنصر امر به معروف و نهی منکر ماهیتی تهاجمی است و از حیث تهاجمی بودن یک انقلابی و ثائر است. تشریح و تبیین مؤلف از ماهیت قیام حسینی، با توجه به نگاه ایشان به اندیشه ها و انگیزه های امام در حرکت تاریخی اش و رفتار و عملکرد امام در قبال بنی امیه و کوفیان و داشتن رفتارهای ویژه ی امام در این پدیده ی تاریخی نشان دهنده ی وجود شاخصه های تبیین عقلانی تاریخی است. (ص 137-140)

2. بررسی عامل تقاضای یزید برای بیعت، یکی از مصادیق تبیین عقلانی تاریخی است. به نظر مؤلف، عامل مذکور یکی از عواملی است که در ایجاد پدیده ی تاریخی عاشورا دخالت داشته و به یک اعتبار (از نظر زمانی) اولین عامل است. بیعت امام نه تنها تایید خلافت یزید و صحنه گذاشتن بر آن بود، بلکه تایید سنتی بود که معاویه پایه گذاری کرده بود. عکس العمل امام در قبال تقاضای یزید منفی است و ماهیت این عکس العمل تقوایی که در مقابل تقاضای نامشروع ایجاد شده است، یکی از زمینه های شکل گیری پدیده ی تاریخی عاشورا است. مؤلف در تشریح و تبیین عامل تقاضای بیعت، آن را در قالب عقلانی ساخته و پرداخته است که ارکان تبیین عقلانی در آن مشاهده می شود. (ص 141-142)

3. عامل دعوت مردم کوفه، یکی از عوامل دیگر قیام عاشورا است که مردم کوفه، با انگیزه های مختلف، از جمله ایجاد قطبی به وسیله ی امام حسین (ع) در مقابل شام اموی، از خود نشان دادند. عکس العمل امام در مقابل

این عامل، مثبت و ماهیت عملش ماهیت تعاون است. واکنش امویان در قبال اقدام کوفیان از عوامل ایجاد پدیده ی تاریخی عاشوراست که مؤلف در قالب پرداخت تبیین عقلانی با توجه به انگیزه ها و آرمان های کوفیان و کنش و واکنش های آنان و امام انجام داده است. (ص 142-143)

4. حرکت امام تنها به خاطر عدم پذیرش بیعت و یا دعوت کوفیان نبود، هرچند این دو عامل بی تاثیر نبودند، عامل اصلی حرکت امام، امر به معروف و نهی از منکر بود. منکرات دنیای اسلام را فراگرفته بود و به حکم وظیفه ی دینی و مسئولیت شرعی، قیام الهی طبیعی ترین واکنش علیه ساختار حاکم بر جامعه ی دینی آن روز بود. این عامل به اعتقاد مؤلف دارای ماهیت تهاجمی است که امام (ع) متوجه حکومت وقت کرده است. مؤلف به صورت تبیین عقلانی به عامل سوم پرداخته و به انگیزه ها و اهداف امام با توجه به عنصر امر به معروف و نهی از منکر، و عملکرد و رفتار ویژه ی امام در این زمینه، متمرکز شده است. (ص 145-146)

مصادقی از تبیین روایی

مؤلف در تشریح ریشه های تاریخی کربلا یکی از مصادیق تبیین های روایی را ارائه داده است. مؤلف همانند بسیاری از تبیین های دیگر در کنار استفاده از تبیین عقلانی تاریخی، در تشریح ریشه های تاریخی کربلا از تبیین روایی نیز مدد می گیرد. (بخش دوم، فصل اول)

توجه به عنصر هدف و آرمان در حرکت امام حسین (ع) با توجه به نوع تحلیل مؤلف از حادثه ی عاشورا، به نظریه ی اصلاح برمی گردد. از نگاه ایشان حرکت امام در اصل یک حرکت اصلاحی بود، آن هم با توجه به اصل امر به معروف و نهی از منکر، امتناع از بیعت و حرکت از مدینه به مکه و عدم اقدام عملی در مکه و حرکت به سمت کربلا و حتی عکس العمل مثبت نسبت به عامل دوم (دعوت کوفیان)؛ هم این عوامل و حرکت امام در این سیر تاریخی را از دیدگاه نظریه ی اصلاح می بیند و هم اقدامات امام را اصلاحی تلقی می کند. فعالیت امام، اصلاح تفکر سیاسی مردم و هنجار بخشیدن به عمل و رفتار سیاسی امت بود. امام سعی در ایجاد تغییرات بنیادین و تدریجی در ساختار حکومت و قدرت حاکم داشت؛ زیرا با توجه به مستندات و شواهد تاریخی امکان تحول سریع داخلی و تغییرات دفعی به صورت یک انقلاب امکان نداشت. توجه مؤلف با توجه به عنصر امر به معروف و نهی از منکر و فرموده ی امام درباره ی مفهوم اصلاح، نظریه ی اصلاح را تقویت می کند. البته چنان که ذکر شد، نظریه ی اصلاح با نظریه ی دفاع، و انگیزه های دفاعی با انگیزه های اصلاحی ممکن است اجتماع کنند. (20)

کتاب شهید جاوید

شهید جاوید تالیف صالحی نجف آبادی یکی از متون تحلیلی در زمینه ی تاریخ نگاری حوزه ی اسلام است که شاخص عمده و محوری آن از لحاظ سبک و متد نگارش، تبیین عقلانی است و به طور کلی می توان خطوط محوری آن را به صورت ذیل بیان کرد:

الف) روش آن تحلیلی است و در تفسیر و تحلیل پدیده ی تاریخی عاشورا تکیه بر تبیین های عقلانی دارد که شواهدی از آن در ذیل ملاحظه خواهد شد.

ب) شاخص ها و مؤلفه های تبیین قانونمند تاریخی در اثر مذکور مشاهده و استنباط نمی شود و از ارائه ی مدل های عام و فراگیر در تجزیه و تحلیل پدیده ی تاریخی عاشورا بهره ای ندارد.

ج) از کاربرد تبیین روایی در تحلیل و تبیین پدیده‌ی تاریخی عاشورا غافل نیست و وقایع موردنظر را با استناد به وقایع تاریخی قبلی موردتحلیل قرار می‌دهد که نمونه‌ای از آن ذکر خواهد شد.

مصادیقی از تبیین‌های عقلانی

1. یکی از شواهد تبیین عقلانی مؤلف، بررسی اهداف یزید از طرح تاکتیکی در قبال مسئله‌ی بیعت است. هدف یزید از این طرح تثبیت حکومت، رفع عقده‌ی حقارت و حس انتقام جویی اوست که در برهه‌ای از تاریخ به آن اقدام نمود. مؤلف در تشریح و تبیین اهداف یزید از این طرح، برداشتی عقلانی ارائه داده و به بیان انگیزه‌ها، تمایلات، رفتار و عملکرد یزید در قبال این طرح و گرایش‌های وی در این زمینه پرداخته کرده است. (ص 23-25)
2. یکی دیگر از مصادیق تبیین عقلانی، بیان تمییز امتیازات امام حسین (ع) با عبدالله بن زبیر است که هر دو دست به قیام زدند. ایشان در سه بعد مجزا امتیازات قیام امام حسین (ع) را بررسی می‌کند که امام را از سایر افراد و قیام‌ها متمایز می‌سازد: امتیاز در هدف، امتیاز در وسیله و امتیاز در نتیجه. نگاه مؤلف در زمینه‌ی فوق با توجه به انگیزه‌ها و رفتار امام در سه بعد هدف، وسیله و نتیجه، حرکتی عقلانی در تبیین تاریخی است. (ص 56-58)

مصادقی از تبیین روایی

در تصویر صحیح از علت قیام امام (ع)، که آن را در چهار مرحله بیان می‌نماید، در عین استفاده از اسلوب تبیین عقلانی، از تبیین روایی هم استمداد می‌کند و قواعد و اسلوب تبیین روایی در آن دیده می‌شود؛ یعنی با استناد به وقایع قبلی، واقعه‌ی موردنظر (علت قیام و مراحل آن) را تبیین می‌نماید.

توجه مؤلف به عنصر هدف و آرمان در حرکت تاریخی امام با توجه به تبیین‌های عقلانی ایشان به اتخاذ نظریه‌ی انقلاب منتهی می‌شود. وی در تحلیل حرکت امام (ع) اعتقاد جدی دارد که هدف آن حضرت تشکیل حکومت بود و با توجه به شواهدی امکان عملی تشکیل حکومت را میسر می‌داند. اما چنان که گفته شد مستندات و شواهد تاریخی در آن برهه خلاف آن را نشان می‌دهد؛ زیرا حکومت اموی از لحاظ قدرت سیاسی و نظامی در حدی بود که با یک انقلاب امکان براندازی سریع آن نبود و توجه به توزیع قدرت سیاسی و نظامی از لحاظ جغرافیایی علاوه بر شام و حجاز، حتی عراق نیز در اختیار حاکمان اموی بود؛ لذا نظریه‌ی انقلاب با توجه به مستندات تاریخی، دیدگاه درستی به نظر نمی‌رسد.

نتیجه‌گیری

ضرورت گذر از روش روایی و ترکیبی و قدم گذاشتن به مرحله‌ی تحلیل، اجتهاد و تبیین در مطالعات و پژوهش‌های تاریخی و روش تحقیق تاریخی در حوزه‌ی تاریخ‌نگاری به طور عام و تاریخ‌نگاری اسلام به طور خاص نیاز به اثبات و استدلال ندارد. مورخان فعلی حرکتی جدی را در این زمینه آغاز کرده‌اند؛ اما تا رسیدن به مرزهای تبیین تاریخی (قانونمند، عقلانی، روایی) در مطالعات و تحقیقات تاریخی و به تبع آن، تجزیه و تحلیل و در نهایت، استنباط و اجتهاد معانی و مفاهیم ناشی از داده‌های نوشتاری و مکتوب تاریخ فاصله‌ی زیادی احساس شود. و این خلایی است که توجه و اهتمام مورخان و پژوهشگران را می‌طلبد. در سایه‌ی حاکم شدن تبیین‌های تاریخی با تمام انواع (قانونمند، عقلانی، روایی و حتی علی) بر ساختار مطالعات تاریخی به تحلیل ثانوی اطلاعات و

داده های تاریخی و آشنا شدن با معنا و مفهوم پنهان گزاره های تاریخی کمک شایانی می شود . کشف روابط تاریخی و علل و انواع آن، تبدیل جبر تاریخی به ضرورت تاریخی و ارائه ی مدل های عام و فراگیر در پدیده های تاریخی، تنها در سایه ی پردازش به تبیین های قانونمند، عقلانی و روایی تاریخ امکان پذیر خواهد بود . امید است که مورخان و پژوهشگران با تکنیک ها و متدهای علمی این سیر علمی را سریع تر طی نمایند .

منابع

- ادواز، پل . (1375)، فلسفه تاریخ (مجموعه مقالات)، بهزاد سالکی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی .
- پوپر، کارل . ر . ، (1358)، فقر تاریخیگری، احمد آرام، تهران، انتشارات خوارزمی .
- جعفریان، رسول . (1381)، تاملی در نهضت عاشورا، قم، انتشارات انصاریان .
- جعفریان، رسول . (1372)، حیات فکری و سیاسی امام شیعه، ج 1، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی .
- جعفریان، رسول . (1376)، منابع تاریخ اسلام، قم، انصاریان .
- دهخدا، علی اکبر . لغت نامه دهخدا، 50 جلدی، تهران، مؤسسه علامه دهخدا .
- زرین کوب، عبدالحسین . (1375)، تاریخ در ترازو، تهران، امیرکبیر .
- ساده، مهدی . (1375)، روشهای تحقیق با تاکید بر جنبه های کاربردی، تهران، ناشر مؤلف .
- ساروخانی، باقر . (1376)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی .
- سجادی، سیدصادق و هادی عالم زاده . (1375)، تاریخنگاری در اسلام، تهران، سازمان سمت .
- سیروفه یف . آ . ن . (1360)، تاریخ چیست، محمد متقی زاد، تهران، نشر جوان .
- شهیدی، سیدجعفر . (1371)، قیام امام حسین (ع)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی .
- صالحی نجف آبادی . (1364)، شهید جاوید، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا .
- علیزاده سورکی، مهدی . (1378)، نظریه های عاشورا، قم، پارسایان .
- کار . اچ . ای . (1351)، تاریخ چیست، حسن کامشاد، تهران، انتشارات خوارزمی .
- محمدجعفری، سیدحسین . (1372)، تشیع در مسیر تاریخ، آیت الهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی .
- مصباح یزدی، محمدتقی . (1372)، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی .
- مطهری، مرتضی . (1378)، مجموعه آثار، ج 17، تهران، صدرا .
- مهاجرانی، سیدعطاءالله . (1376)، انقلاب عاشورا، تهران، انتشارات اطلاعات .
- نودری، حسینعلی . (1379)، فلسفه تاریخ، روش شناسی و تاریخنگاری، تهران، انتشارات طرح نو .
- والش . اج . دبیلو . (1363)، مقدمه ای بر فلسفه تاریخ، ضیاءالدین علایی، تهران، امیرکبیر .

پی نوشت ها :

- 1) در یک تقسیم بندی از تبیین تاریخی آن را به چهار نوع تبیین قانونمند، عقلانی، روایی و علی تقسیم کرده اند .
ر . ک: فلسفه تاریخ، روش شناسی و تاریخنگاری .

3. C.G. Hempel

4. R.G. Collingwood

5. W.H. Dray

6. W. oakeshett

7. H. Butterfield

8. W.B. Gallie

(9) برای مطالعه ی بیش تر در زمینه ی ماهیت پدیده های تاریخی ر . ک: روش های تحقیق در علوم انسانی .

(10) مورخان در استفاده از روش های تاریخ نگاری یا صورت تالیف مطالب تاریخی از سه روش نقلی، ترکیبی و تحلیلی استفاده می نمایند .

الف) روش نقلی: روشی است که در آن روایات مختلف درباره ی حادثه و پدیده تاریخی ذکر می شود و سلسله اسناد آن به طور کامل و یا ناقص آورده می شود .

ب) روش ترکیبی: روشی است که در میان روایات و گزارش های مختلف تاریخی به دنبال مقایسه، ترکیب و ایجاد سازگاری است و از اسناد روایات اجتناب می شود و به جای آن به مقایسه و ترکیب و ایجاد سازگاری میان روایات مختلف می پردازد .

ج) روش تحلیلی: روشی است که علاوه بر نقل روایت به صورت ترکیبی، به دنبال تحلیل، تبیین و اجتهاد تاریخی است و به بررسی علل و نتایج پدیده ی تاریخی می پردازد .

(11) دانش تعمیمی، یعنی ارائه ی قوانین و قاعده های عام که مختص دوران خاصی نبوده، قابل اطلاق در تمام دوران باشد .